

تصحیح تازه کفایة الاصول

محمدعلی مهدوی راد

کفایة الاصول. تألیف آخوند ملا محمد کاظم خراسانی. تحقیق و تصحیح مؤسسه آل البیت لأحیاء التراث، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ قمری، ۳۴+۵۵۴ ص، ۲۰۰۰ ریال.

دانش اصول در دامن «فقه» پدید آمد و به عنوان منطبق فقه و استنباط رشد کرد، به همان گونه که فقه نیز از دامن حدیث سر بر آورد و گسترش یافت. «علم شریعت» در آغاز بر پایه حدیث استوار بود، در این زمان تلاش عالمان تقریباً به گردآوری و نگهداری متن احادیث منحصر بود، اما رفته رفته دریافت حکم شرعی از احادیث به خاطر نیازهای گوناگون و تلاش برای یافتن پاسخها و راه‌حلهای آنها ضرورت یافت و چنین شد که علم شریعت از سطح حدیث و نقل آن پا فراتر نهاد و به استنباط و استدلال علمی رسید.

با گسترش پژوهشهای فقهی عالمان، عناصر مشترکی در کار استنباط و فهم شریعت رخ نمود، و محققان و فقیهان به این نتیجه رسیدند که استنباط در عناصری همگانی اشتراک دارد و بیرون کشیدن احکام شرعی بدون توجه به آن عناصر امکان‌پذیر نیست. بدین سان قواعدی پدید آمد که پایه‌های دانش اصول را پی نهاد.^۱ ریشه‌های آغازین این قواعد را امامان (ع) عرضه کردند و یاران آن بزرگواران از آنان گرفتند و گسترده‌تر^۲ و برخی در این زمینه‌ها آثاری نیز نگاشتند.^۳

در عصر امامان (ع) نیازمندی عالمان و فقیهان به دانش اصول فراگیر و گسترده نبود، اما در زمان غیبت و گسترش نیازمندیهای گوناگون و لزوم دست یافتن به پاسخ پرسشهای مختلف، احتیاج به علم اصول بیشتر شد، ولذا عالمان و فقیهانی به نگاشتن آثاری مستقل در این زمینه دست یازیدند.

از اولین کوشندگان در دانش اصول و فقه استدلالی باید از

و کارشناسی و صنایع جدید غرب و از جمله جنگ افزارهای اروپایی چگونه بوده و ذهن و فکر فرد نابغه و کنجکاوی مانند شیخ بهایی را احتمالاً تا چه اندازه به خود مشغول می‌داشته است؟ از سوی دیگر نظر علما در خصوص مرادوه سیاسی بادول اروپایی و تقرب نمایندگان سیاسی - تجاری دول عیسوی اروپا به دربار شاه عباس و شاهان بعدی از چه قرار بوده است؟ به خصوص وقتی که در نظر آوریم که این علما از حیثیت و احترام و نفوذ خاصی در نزد شاه برخوردار بوده‌اند.

از سوی دیگر سفرا و مأمورین سیاسی ایران هم که به دربارهای اروپایی اعزام می‌شده‌اند غالباً افراد دانشمند و صاحب اندیشه مستقلی نبوده‌اند و عجیب نیست که شیفته ظواهر تمدن غرب می‌شده‌اند و نمی‌توانسته‌اند در باطن و مبادی آن تفحص و تأمل کنند، علاوه بر این استبداد پادشاهان صفوی - چنانکه نویسنده متذکر شده - شاید مانع از آن بوده است که آنها حتی توصیف درست و صمیمانه‌ای از دیدها و آزموده‌های خود که مخالف رأی و منش شاه و دربار بوده به عمل آورند. از این رو به توصیف و اقتباس مواردی از تمدن اروپایی پرداختند که هم منافات و تعارضی با نظام حکومتی نداشت و هم اسباب سرگرمی شاه و درباریان می‌شد.

*

در خاتمه چند کلمه‌ای هم درباره سبک نگارش مؤلف بگوییم. تمایل و اصرار نویسنده به استعمال عبارات و واژه‌های فارسی و غیر مصطلح به جای واژه‌ها و عبارات مصطلح و مانوس از روانی نثر این کتاب - نسبت به اثر قبلی ایشان - کاسته است. مثلاً ایشان اصرار دارند که به جای «دست اول»، «دست یکم» بگویند و به جای «به هنگام»، «به گاه»؛ به جای «چیرگی یا استیلا»، «چیره‌گری»؛ به جای «در طول قرون متمادی»، «در درازای سده‌های دراز»؛ و به جای «دست به قلم»، «دست به خامه» و... نکته آخر اینکه کتاب از غلطهای چاپی نیز خالی نیست.

حاشیه:

(۱) اولین اثر نویسنده تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق نام دارد که در سال ۱۳۶۰ توسط انتشارات امیرکبیر منتشر شد. این کتاب ترجمه فارسی کتابی است که به زبان انگلیسی توسط خود مؤلف تألیف شده و رساله دکتری ایشان بوده است و نخستین کتابی است که مستقلاً به نقش علمای دینی در نهضت مشروطیت و تلقی و استنباط دینی آنها از مشروطیت پرداخته است.

(۲) در این زمینه آنچه نگارنده تاکنون دیده از این قرار است: الف) «ایران‌شناسی چیست؟»، نوشته داریوش آشوری، فصلی از کتاب ایران‌شناسی چیست؟ تهران، آگاه، ۱۳۵۵، ص ۷ تا ۳۱؛ ب) «امپریالیسم (استکبار دوره جدید)»، نوشته دکتر رضا داوری، فصلی از کتاب انقلاب اسلامی ایران و وضع کنونی عالم، تهران، مرکز فرهنگی علامه طباطبائی، ۱۳۶۱، ص ۱۴۵ تا ۱۷۵؛ ج) «سیاست ایران‌شناسی»، نوشته دکتر حمید عنایت، از کتاب دین و جامعه، تهران، کتاب موج، ۱۳۵۲، ص ۴۱ تا ۵۹؛ د) آنچه خود داشت. نوشته احسان نراقی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۵.

رحیم اصفهانی (متوفای ۱۲۶۱ق)، *هدایة المسترشدين* محمد تقی بن محمد رحیم اصفهانی (متوفای ۱۳۴۸ق)، *مفاتیح الاصول* سید مجاهد، سید محمد طباطبائی (متوفای ۱۲۴۲ق) و...

ظهور خاتم‌المجتهدین، شیخ مرتضی انصاری (متوفای ۱۲۸۱ق) سرآغاز تحولی دیگر در علم اصول است. ژرف نگریها و نوآوریهای شیخ انصاری ضمن آنکه چهره تازه‌ای به دانش اصول داد، دامنه بحثها و مسائل آن را نیز بگسترده. شیخ خود مباحث «اصول عملیه» را در ضمن چند رساله نگاشت که اینک به عنوان رسائل مشهور و از متون درسی متداول حوزه‌هاست، و شاگردش میرزا ابوالقاسم کلانتر نوری طهرانی (متوفای ۱۲۹۲ق) «مباحث الفاظ» استادش را با عنوان *مطرح الانظار* به رشته تحریر درآورد که از آثار گرانبه دانش اصول به شمار است. مکتب شیخ انصاری از مدارس پر فیض و پر ثمر حوزه‌های علوم اسلامی است. در مکتب شیخ انصاری دهها مجتهد و فقیه بزرگ و توانمند پرورش یافتند که یکی از آنها آخوند ملا محمد کاظم خراسانی است.

ملا محمد کاظم خراسانی معروف به «آخوند خراسانی» به سال ۱۲۵۵ق در شهر مقدس مشهد از مادر بزاد و در همانجا پالید و رشد کرد. مقدمات علوم اسلامی را در مشهد فرا گرفت و آنگاه مدتی در سبزوار اقامت گزید و از محفل درس فلسفه حاج ملاحادی سبزواری بهره گرفت. پس از آن به طهران رفت و بیش از یک سال از حوزه درس عالمان آن دیار استفاده کرد و محضر درس میرزای جلوه را نیز درک کرد. از آنجا عازم نجف و حوزه کهنسال آن شد. مرحوم آخوند درجایی چگونگی زندگانش را در نجف بدینگونه ترسیم کرده است:

... تنها خوراک من فکر بود، و با این زندگانی قانع بودم و هیچ گاه نشد سخنی یاد کنم که گمان کنند از زندگانی خود ناراضی هستم... طلاب هیچ اعتنایی به من نمی کردند مگر معدودی که مانند خود من یا فقیرتر از من بودند. خواب من از شش ساعت بیشتر نبود و چون با شکم خالی خواب آدم عمیق نمی شود، شبها را بیدار بودم و با ستارگان مصاحبت و مساهرت داشتم؛ و در این احوال به خاطر می گذشت که امیرالمؤمنین علی (ع) نیز بیشتر شبها را بر این نشان می گذرانید، من با همه تنگدستی و بیچارگی احساس می کردم که فکر من به عالمی بلندتر پرواز می کند و قوه ایست که روح مرا به خود جلب کند^۹

مرحوم آخوند در ۱۲۹۱ق که میرزای شیرازی از نجف به سامره رفت مانند بسیاری از شاگردان میرزا راهی سامره شد و مدتی آنجا بماند. اما پس از چندی به توصیه میرزا به نجف

حسن بن علی بن ابی عقیل عمانی (متوفای حدود ۳۵۰ق) و پس از او ابن جنید اسکافی (متوفای ۳۹۱ق)، و ابومنصور صرام نیشابوری یاد کرد که هر کدام در این زمینه آثاری نگاشتند.^۴

نگارش و تدوین علم اصول با کتاب عالم بزرگ شیعی، محمد بن محمد بن نعمان مشهور به «شیخ مفید» (متوفای ۴۱۳ق) با عنوان *اصول الفقه*^۵ به مرحله جدیدی وارد شد. وی در این کتاب تمام مباحث اصول را مطرح ساخت و در ضمن آن به نقد و بررسی دیدگاههای اصولیان پرداخت. پس از آن سید مرتضی (متوفای ۴۳۶ق) تکمیل و تنقیح علم اصول را پی گرفت و کتاب *گرانقدر الدرر الی اصول الشریعة* را نگاشت، که به نوشته مرحوم آیه الله سیدحسن صدر

تا آن زمان همانندش در فراگیری و ژرف کاوی نگارش نیافته بود، تمام مباحث اصولی را بررسی کرده و اقوال گوناگون متداول را مورد نقد و تحلیل قرار داده و حق را بر کرسی نشانده است.^۶

شمار دیگری از شاگردان مفید نیز در این زمینه آثاری تألیف کردند که از آن میان می توان از سلار بن عبدالعزیز دیلمی (متوفای ۴۶۳ق) یاد کرد که کتاب *التقریب فی اصول الفقه* را نوشت.^۷ در سالها و قرنهای بعد نیز آثار فراوانی در این زمینه پدید آمد. شیخ الطائفه محمد بن حسن طوسی (متوفای ۴۶۰ق) *عدة الاصول* را نوشت، و محقق حلی (متوفای ۶۷۶ق) *معارض الوصول* را و علامه حلی (متوفای ۷۲۶ق) *نهاية الوصول فی علم الاصول* و مبادی *الوصول فی علم الاصول* و... را نگاشت.

با ظهور و بروز اندیشه اخباریگری در سالهای پایانی قرن یازدهم هجری برای مدتی گسترش تفکر اصولی به کندی گرایید. روزگاری بازار اخباریان رونق بسزایی داشت و عالمان اخباری آثار و نوشته‌های متعددی برای از بین بردن تفکر اصولی و نفی اجتهاد پدید آوردند.

تلاش اخباریان قریب یک قرن ادامه یافت، تا اینکه در میانه سده دوازدهم هجری، فقیه بزرگ محمد باقر بن محمد اکمل اصفهانی معروف به «وحید بهبهانی» (متوفای ۱۲۰۵ق) به میدان آمد. تفکر اخباریان در مقابل آراء و اندیشه‌های وحید بهبهانی تاب مقاومت نیاورد و چیزی نگذشت که بساط تنگ اندیشیها و تنگ نظریهای آنان برچیده شد و تفکر اصولی فضای علمی حوزه‌ها را فرا گرفت.^۸

علم اصول پس از وحید بهبهانی رو به گسترش نهاد، و شاگردان وی و دیگر عالمان و اصولیان، آثار بسیاری در این زمینه فراهم آوردند که از آن جمله است *قوانین الاصول* میرزای قمی (متوفای ۱۲۳۲ق)، *الفصول الفرویه* محمد حسین بن محمد



مرحوم آخوند ملا محمد کاظم خراسانی

رفته رفته، کفایة الاصول به صورت یکی از مهمترین متون درسی اصول در حوزه های علوم دینی درآمد.

توجه عالمان و محققان به این کتاب بی نظیر بوده است و شرحها و حاشیه ها و تعلیقه های نگاشته شده بر آن از صدوبیست فزون است.^{۱۲} کفایة الاصول تاکنون بارها مستقلاً یا همراه با حواشی و شروح به چاپ رسیده است.^{۱۳} اما با این همه، نیازمندی به چاپی منقح، دقیق و چشم نواز از آن کاملاً محسوس بود، که اینک این کار در «مؤسسه آل البیت لأحیاء التراث» و به همت حجج اسلام آقایان شیخ جواد روحانی و شیخ محمد اشرفی و سید صالح مدرسی، انجام یافته است.

کتاب بر اساس دو نسخه به دقت تصحیح شده است: (۱) نسخه ای به خط مؤلف، محفوظ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، (۲) نسخه چاپ شده در زمان مؤلف و تصحیح شده به وسیله مرحوم آقازاده، فرزند آخوند، بر اساس نسخه ای که مرحوم آخوند بارها آنرا تدریس کرده بوده است. در این نسخه حواشی و تعلیقاتی هست که همه در پانوشتها آمده است. کتاب بر اساس دو نسخه یاد شده و با عنایت به نسخ چاپ شده بویژه کفایة چاپ شده در متن حقائق الاصول و منتهی الدرایة به دقت مقابله و تصحیح شده است. مصححان تمام آیات و روایات را منبع یابی کرده و به مصادر آنها ارجاع داده اند. افزون بر این آنچه تصحیح این کتاب را جلوه ای ستودنی بخشیده است، منبع یابی اقوال و آراء اصولیان است به قرار ذیل:

(۱) اقوالی که مرحوم آخوند با استناد صریح به صاحب قول آورده است. تمام این اقوال استخراج و به منابع ارجاع شده است.

(۲) اقوالی که به اشاره آمده است مانند «قیل»، «توهم» و «مأیقال» و... اینها نیز غالباً استخراج و با منابع اصلی مقابله شده و جایگاه اقوال در منابع اصلی به دقت نشان داده شده است.

(۳) گاهی مرحوم آخوند مطلب برخی از مؤلفان را تلخیص کرده و آورده و یا قسمتی را حتی بدون اشاره نقل کرده است، مصححان به یمن دو سال پژوهش و تحقیق در کفایه و مراجعه های مکرر به کفایه و منابع آن، منابع این بخش را نیز غالباً یافته و یاد کرده اند.

کسانی که با متن فشرده و ژرف کفایه آشنا هستند، و می دانند که گاه مرحوم آخوند يك صفحه مطلب برخی از اصولیان را در سطور اندک می ریزد، اهمیت این ارجاعها و منبع یابیها را بخوبی در می یابند. در پایان کتاب فهرستهای آیات و روایات و اعلام و موضوعات آمده است. کتاب مقدمه ای نیز دارد به قلم آقای سید جواد شهرستانی، که در ضمن آن از تطور علم اصول در حوزه های علوم اسلامی (شیعه و سنی) به اجمال سخن رفته و از

بازگشت و کار تدریس را آغاز کرد. چون بر کرسی تدریس قرار گرفت، روز بروز بر شاگردانش افزوده گشت و درس آن بزرگوار در میان درسهای حوزه بی همتا شد. مرحوم سید محسن عاملی در این باره می نویسد:

در محفل درس او صدها تن از فاضلان و مجتهدان حوزه شرکت می کردند، او مجتهد سختکوشی بود و از تدریس هرگز کناره نمی گرفت. در میان متأخران به گزیده گوئی، پیرایش اصول و تکیه بر جوهره مباحث و زبده مطالب و حذف زواید همراه با نیک نگری و ژرف اندیشی ممتاز است.^{۱۴}

مرحوم آخوند، بجز تدریس و تألیف آثار مهم در فقه و اصول، در حرکت های اجتماعی - سیاسی نیز مرد میدان بود، و جایگاه بلند وی در نهضت مشروطیت روشن است. بالأخره روز سه شنبه بیستم ذیحجه سال ۱۳۲۹ هجری قمری در آستانه سفر به ایران که ظاهراً برای جلوگیری از کج رویهای سران سیاسی در جریان مشروطیت صورت گرفت، به گونه ای مرموز و ناگهانی درگذشت.^{۱۵}

پس از گسترش و تحول عظیمی که دانش اصول در مکتب شیخ انصاری یافت کفایة الاصول آغازگر تهذیب و تحریر و تنقیح اصول است. مرحوم آخوند خراسانی کفایة الاصول را برای پیرایش علم اصول از حشو و زواید نگاشت. کفایة الاصول در گزیده نگاری و ژرفایی و استواری تحسین همگان را برانگیخت. مرحوم آخوند خود، آن را مدار بخشش قرار داد و پس از تدوین این کتاب يك دوره خارج اصول را در سه سال تدریس می کرد و پس از وی شاگردان و تربیت شدگان حوزه درسی وی بر آن شیوه رفتند و

کتاب و مؤلف و شیوه تصحیح آن گفتگو شده است.

تصحیح دقیق، حروف چشم نواز، تجلید و صحافی شایسته و سایر امور جنبی کتاب جالب و درخور تحسین است و گزیده سخن آنکه، در حال و هوای گسترش دامنه تحقیق و نشر، که متأسفانه برخی آن را به آشفته بازار تبدیل کرده اند و نشر آثار سلف را به گونه شغلی درآورده اند، تصحیحی بدین سان استوار و دقیق را باید به «مؤسسه آل البیت» و مسؤولان و مصححان سختکوش و گرامی آن تبریک گفت. توفیقشان افزون باد.

حاشیه:

۱) سید محمد باقر صدر، *المعالم الجديدة*، ج دوم، تهران، مکتبه النجاح، ص ۴۶ و ۴۷.

۲) سید حسن صدر، *تأسيس الشيعة*، منشورات الأعلی، تهران، ص ۳۱۰؛ سید محسن عاملی، *اعیان الشيعة*، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، ج ۱، ص ۱۳۷؛ و علی الفاضل القاتینی، *علم الاصول تاريخاً و تطوراً*، مرکز النشر: مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ص ۹۵ به بعد، مجله حوزه، شماره ۱۰، ص ۲۳.

۳) منابع یاد شده در شماره پیشین. یادآوری می کنم که برخی از محققان و محدثان، مجموعه روایاتی را که درباره مسائل اصولی از ائمه اطهار (ع) وارد شده است گرد آورده اند. از جمله میرزا محمد هاشم موسوی خوانساری کتابی نوشته به نام *اصول آل الرسول*؛ محدث جلیل القدر مرحوم شیخ حر عاملی کتابی نگاشته با عنوان *الفصول المهمة فی اصول الائمة*؛ مرحوم سید عبدالله شیر، کتابی تدوین کرده با عنوان *الاصول الاصلية*؛ مرحوم سید حسن صدر این کتاب را در موضوع خود از بهترین آثار دانسته است. *تأسيس الشيعة*، ص ۳۱۰، مجله حوزه، شماره ۱۰، ص ۲۳.

۴) *تأسيس الشيعة*، ص ۳۱۲؛ *علم الاصول تاريخاً و تطوراً*، ص ۹۶.

۵) آقابزرگ تهرانی، *الذريعة الى تصانيف الشيعة*، تهران، ج ۲، ص ۲۰۹. از کتاب مرحوم شیخ مفید با عنوان *التذكرة باصول الفقه و النکت فی مقدمات الاصول* نیز یاد شده است. اصل کتاب اینک در دسترس نیست، خلاصه ای از آن در ضمن *کنزالفوائد* کراچکی آمده است.

۶) *تأسيس الشيعة*، ص ۳۱۲.

۷) علامه حلی، *خلاصة الأوقال*، سید محمد صادق بحر العلوم، نجف، ص ۸۶.

۸) برای آگاهی از شخصیت علمی، و جایگاه و حیدر بهبهانی در دانش اصول و مواضع بنیادین او علیه اخباریان رک. علی دوانی، *وحید بهبهانی*، امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۶۲.

۹) *عبدالحسین مجید کفایی*، مرگی در نور: زندگی آخوند خراسانی، تهران، زوآر، ۱۳۵۹، ص ۵۵.

۱۰) *اعیان الشيعة*، ج ۹، ص ۶.

۱۱) برای آشنایی با شخصیت علمی و زندگانی اجتماعی و سیاسی و آثار مرحوم آخوند خراسانی رک. *هدية الرازي الى المجدد الشيرازي*، تهران، میقات، ۱۴۰۳، ص ۱۴۵؛ *اعیان الشيعة*، ج ۹، ص ۵ و ۶؛ *عبدالهادی حائری*، *تشیع و مشروطیت در ایران*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۰، ص ۱۵۵ تا ۱۶۰؛ مرگی در نور: زندگانی آخوند خراسانی؛ *المصلح المجاهد*، *الشیخ محمد کاظم الخراسانی*، نجف، ۱۳۹۰؛ *ریحانة الادب*، ج ۱، ص ۴۱؛ *محمد حسن نجفی قوچانی*، *سیاحت شرقی*، امیرکبیر، ۱۳۶۲، ص ۴۲۴؛ *دائرة المعارف تشیع*، *بنیاد طاهر*، تهران، ج ۱، ص ۱۴؛ *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۱، ص ۱۵۱ و...

۱۲) مرگی در نور، ص ۳۴۶؛ *الذريعة*، ج ۶، ص ۱۸۶؛ ج ۱۴، ص ۳۳.

۱۳) *خانبا با مشار*، *فهرست کتابهای چاپی عربی*، چاپ اول، ۱۳۴۴، ص ۷۲۶.

جنگلهای ایران در معرض نابودی

جنگلهای گسترش کویرهای ایران در رابطه با جامعه و فساد دولتها. حسین ملکی (ح. م. زنجانی). تهران، نشر آینده، زمستان ۱۳۶۷، ۲۸۲ ص، مصور.

«جنگل، هدیه خدایی و نخستین دوست بشر به شمار می رود. هیچ يك از پدیده های طبیعت به اندازه جنگل در زندگی آدمیان نقش اساسی و سازنده نداشته است». کتاب جنگلهای گسترش کویرهای ایران... که با این جمله های دلنشین آغاز می شود به يك زمان نیمه علمی- سیاسی می ماند که خواننده را تا به آخر با خود می کشاند و هر چند که خواننده ممکن است از برخی سطور یا صفحات و یا حتی فصلهای کتاب «ببرد» و بگذرد، اما تا کتاب را به آخر نرساند آن را به زمین نمی گذارد.

علت اینکه خواننده پایه پای نویسنده پیش می رود این است که روایت نابودی «دوست دلسوز و دیرین» (ص ۲۲) خود را می خواند و به روشنی درمی یابد که چرا شاتوبریان نویسنده فرانسوی دهها سال پیش گفته بوده است که «جنگلهای قبل از ملتها و بیابانها بعد از آنها به وجود آمده اند.» (ص ۱۳).

راستی جنگل چیست؟ «گروهی درخت که جایی را گرفته و در کنار هم برویند جامعه ای می سازند که آن را جامعه درختی و جنگلی می نامند» (ص ۲۹). درست همچون جامعه آدمی و با همان قوانین تنازع و البته با اثراتی بر پیرامون خود مثل تعدیل آب و هوا، تنظیم جریان آنها، افزایش بارندگی، جلوگیری از نیروهای مخرب همچون بادهای سخت و تند و بهمین و سیل،